فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره بیست و سوم (تابستان۱۴۰۴)

واکاوی و تحلیل عوامل کارساز بر ریسک اعتباری در بنگاه های مالی و اقتصادی

(تاریخ ارسال ۱۴۰۴/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۴/۳۰)

بهرام سهرابی قاضی خانی

محقق و پژوهشگر

چکیده

تمام سرمایه‌گذاری‌ها شامل مقداری ریسک و خطر هستند.در دنیای مالی ریسک به درجه‌ای از عدم اطمینان و یا احتمال ضرر مالی در تصمیمات سرمایه‌گذاری اشاره دارد.به طور کلی ریسک با بازدهی رابطه‌ای مستقیم داشته و هرچه ریسک سرمایه‌گذاری افزایش یابد، سرمایه‌گذارن برای جبران آن انتظار کسب بازدهی بیشتری دارند.ریسک اعتباری ریسکی است که از نکول (قصور) طرف قرارداد، یا در حالتی کلی‌تر ریسکی است که از «اتفاقی اعتباری» به وجود می‌آید. به‌طور تاریخی این ریسک معمولاً در مورد اوراق قرضه واقع می‌شد، بدین صورت که قرض‌دهنده‌ها از بازپرداخت وامی که به قرض‌گیرنده داده بودند، نگران بودند.به همین خاطر گاهی ریسک اعتباری را 'ریسک نکول' هم گویند.این مقاله براساس روش کتابخانه ای می باشد همچنین در این پژوهش اطلاعات مربوطه از منابع کتابخانه ای و از طریق مطالعه کتب و نشریات مقالات، پایان نامه ها اعم از منابع داخلی و خارجی جمع آوری شده است.

واژگان کلیدی: ریسک اعتباری، بنگاه های مالی، اقتصاد، بانک، نکول، قصور

بخش اول: بررسی و شناخت ریسک

واژۀ ریسک در فرهنگ لانگمن چنین تعریف شده است: "ریسک عبارت از احتمال وقوع چیزی بد یا نامطلوب و یا احتمال وقوع خطر است".«نیکلز» مفهوم ریسک را از ابعاد مختلف مدنظر قرار داده و آن را از نظر مفهومی به دو دسته تقسیم می‌کند.وی معتقد است واژه ریسک به احتمال ضرر، درجه احتمال ضرر، و میزان احتمال ضرر اشاره دارد.در این راستا ریسک احتمال خطر هم احتمال سود و هم احتمال زیان را دربر می‌گیرد.در حالی که ریسک خالص صرفاً احتمال زیان را در بر می‌گیرد و شامل احتمال سود نمی‌شود، مانند احتمال وقوع آتش(نیکلز۱،۱۹۹۹) لذا، با توجه به مجموعه تعاریف فوق، می‌توان ریسک را به صورت زیر تعریف کرد: «ریسک عبارت است از احتمال تغییر در مزایا و منافع پیش‌بینی شده برای یک تصمیم، یک واقعه و یا یک حالت در آینده» منظور از احتمال این است که اطمینانی به تغییرات نیست.در صورتی که اطمینان کافی نسبت به تغییرات وجود داشت، تغییرات مطمئن در چارچوب منافع و مزایای پیش‌بینی شده پوشش پیدا می‌کرد در حالی که عدم امکان پیش‌بینی ناشی از احتمالی بودن تغییرات، آن را به ریسک حاکم بر منافع و مزایا تبدیل کرده است.تغییر اشاره به هرگونه کاهش یا افزایش در منافع دارد.به این معنا که صرفاً تغییرات نامطلوب نیست که در چارچوب ریسک پوشش پیدا می‌کند.بلکه تغییرات مطلوب نیز در این معنا در چارچوب ریسک قرار دارد.

بخش دوم: شناسایی عوامل و دسته بندی ریسک در نظام مالی و اقتصادی

بند اول: عوامل ریسک

درک فرآیند مدیریت ریسک مستلزم درک زمینه های عواملی است که منجر به ریسک های پروژه می شود.در مدیریت پروژه تحقیقات در باره ی عوامل ریسک ها پراکنده بوده و بارها و بارها محققان بدون در نظر گرفتن ماهیت پروژه به عوامل ریسک بسنده کرده

۱- NICKLES

اند.کیل و همکاران[۱] در سال ۱۹۹۸ خاطر نشان کرده اند، شایع ترین عوامل ریسک در بین پروژه های سازگارعبارتند از:

- فقدان تعهد مدیران ارشد به پروژه

- عدم وجود تعهد کاربر

- عدم دخالت کافی کاربر

- عدم مدیریت پایان انتظلارات کاربر

یکی از نکته های ویژه و جالب در اینجا استفاده " تعهد " به جای " پشتیبانی " است.کیل و همکاران اشاره می کنند که این تمایز بسیار مهم است.این خیلی ساده است که حمایت یک پروژه بوسیله ی انتقال پول یا پر کردن جاهای خالی متفاوت است با نمایندگی که به طور فعالانه برای یک پروژه کار می کند و همچنان این کار را دز زمان طولانی انجام می دهند.مدیران پروژه نیاز به نوع دوم حمایت دارند.در خلال این پرسش از ریسک ها،جونز در ۱۹۹۴ اضافه کرد که پروژه های مربوط به اطلاعات و فن آوری به خصوص در معرض عوامل ریسک زیر قرار دارند:

- خیزش الزامات کاربری

- فشار بیش از حد برنامه به علت انجام کار زیاد در زمان خیلی کم

- کیفیت پایین کار به علت فشار بیش از حد

- تخطی از هزینه ها

-کنترل نا کافی اجزا

بسیاری اما نه همه از عوامل بالا ناشی از عدم ارزیابی کافی ریسک های ذاتی پروژه هاست.

۱ - Kill and et all

بند دوم: دسته بندی ریسک

- مک کائل ۱۹۹۶ سلسله مراتبی از دسته های ریسک را که مدیران پروژه در هنگام برنامه ریزی پروژه باید به آن توجه داشته باشند برشمرد.با انجام این کار ممکن است آنها از ریسک های مشخص شده جلوگیری کنند.

- مک کائل عضو هیئت شناسایی در پژوهش خود چهار دسته از ریسک های مهم را دسته بندی می کند: وابستگی، الزامات، مسائل مربوط به مدیریت و عدم آگاهی و دانش

- یک مدیر پروژه می تواند ریسک های وابستگی را شناسایی و از آنها اجتناب کند ازجمله وابستگی ها:

- وابستگی های نرم افزاری

- وابستگی هایی که در سراسر توابع تقسیم به وجود می آید

- در دسترس بودن افراد در زمان مورد نیاز برای انجام وظایف

- روابط کار فرعی و قابلیت اطمینان از تحویل با توجه به برنامه

ریسک ها به طور معمول توسط عوامل زیر ایجاد می شوند:

- فقدان یک چشم انداز روشن برای پروژه

- عدم توافق بر سرنیاز، به ویژه در درون سازمان

- عدم اولویت بندی در کارها

- توسعه در یک محیط وبه سرعت درحال تغییر در پروژه های سفت و سخت

- فرآیند مدیریت تغییر که مستندات را نا کافی برای مراجعات بعدی ارائه می دهد.

ریسکهای مربوط به مدیریت اغلب خلاصه می شوند به دو دسته:

- برنامه ریزی کلی و کافی نبودن شناسایی وظایف درون پروژه

- دید نامناسب وغیر واقع به پروژه به علت ضعف مدیریت و اعضی پروژه

- مشخص نبودن مالکیت پروژه و فرآیند تصمیم گیری

- تعهدات غیر واقعی که منجربه انتظارات غیر واقعی می شود

- درگیری و ارتباط ضعیف بین کارکنان

جالب توجه است، فن آوری جزء این دسته بندی ریسک قرار نمی گیرد.

تنها در گذشته،عدم آگاهی به علت کمبود آموزش در فن آوری موجب ضعف در درک درست استفاده از ابزارها و تکنیک های فن آوری بوده است.علاوه براین ممکن است به علت نا آشنایی اعضای پروژه و کارشناسان با کاربرد نامناسب روبرو شوند.

بخش سوم: بررسی و تبیین انواع ریسک (سیستماتیک-غیرسیستماتیک) در بنگاه های مالی در بنگاه های مالی (بانک ها)

اساس توسعه مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای، را مارکوئیتز (۱۹۵۲) و توبین (۱۹۵۸) بنا نهاده‌اند نظریه‌های اولیه، ریسک یک اوراق بهادار منفرد را، انحراف استاندارد از بازده-هایش معرفی کردند که به عنوان یک معیار بی ثباتی بازده ارائه می‌شد، بدین‌گونه که انحراف استاندارد بیشتر، نشاندهنده ریسک بالاتری است.ویلیام شارپ (۱۹۶۴) و ترینور (۱۹۶۱) و لینتر (۱۹۶۵) و بلک (۱۹۷۷) از جمله محققانی بودند که کوشیدند از نظریه مارکوئیتز برای مکانیزم قیمت‌گذاری اوراق بهادار به طور موثری استفاده کنند (لیزنبرگ ۱۹۷۶).در این تئوری مارکوئیتز فرض خود را بر این گذاشت که سرمایه‌گذاران الزاما در پی به حداکثر رسانیدن بازده مورد انتظار نیستند چراکه اگر آنها تنها در پی به حداکثر رسانیدن بازده مورد انتظار بودند، فقط در یک قلم دارایی که دارای بیشترین بازده مورد انتظار بود سرمایه‌گذاری می‌کردند.این درحالیست که با یک بررسی اجمالی می‌توان به این

نتیجه رسید که اکثر سرمایه‌گذاران (چه فردی و چه نهادی) معمولا دارای پرتفوی‌های سرمایه‌گذاری‌اند.در توجیه این رفتار می‌توان عنوان کرد که سرمایه‌گذاران همزمان به دو پدیده ریسک و بازده توجه می‌کنند(چارلز پی جونز،ترجمه تهرانی،۱۳۸۶).بادرنظر گرفتن تئوری پرتفولیو و تئوری قیمت‌گذاری داراییهای سرمایه‌ای می‌توان ریسک کل را به دو بخش ریسک سیستمانیک و ریسک غیرسیستماتیک تقسیم‌بندی کرد.

ریسک غیرسیستماتیک + ریسک‌سیستماتیک = ریسک کل

بند اول: ریسک غیر سیستماتیک

همانطور که بیان شد بخش پیش‌بینی نشده بازده، یعنی بخش ناشی از اخبار غیر مترقبه،ریسک واقعی هر نوع سرمایه‌گذاری است، ریسک یک دارایی از اخبار غیر مترقبه – اتفاقات پیش بینی نشده ناشی می‌شود.نوعی از اخبار غیر منتظره، ریسک غیر سیستماتیک نامیده می‌شود.ریسک غیر سیستماتیک آن است که یک سهم خاص یا سهم گروه کوچکی از شرکتها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از طریق تنوع‌بخشی می‌توان آنرا کاهش داد.از آنجا که این نوع ریسک‌ها منحصر به یک شرکت خاص هستند، گاهی ریسک‌های خاص یا منحصر به فرد نامیده می‌شوند.از عوامل مهم این ریسک می‌توان کالاها و خدمات تولیدی شرکت یا صنعت، نوع مدیریت،فعالیت رقبا و ساختار هزینه‌های شرکت اشاره کرد (جهانخانی و شوری،۱۳۸۹)

بند دوم: ریسک سیستماتیک

ریسک سیستماتیک یک ورقه بهادار، میزان حساسیت و تغییرپذیری بازده آن ورقه بهادار در مقابل تغییرات بوجود آمده در بازار است.به بیان آماری این ریسک درجه تغییرات بازده یک دارایی یا سرمایه‌گذاری خاص نسبت به تغییرات بازده مجموعه سرمایه‌گذاری بازار است و با بتا (β) اندازه‌گیری می‌شود به عبارتی ریسک سیستماتیک چگونگی عمل یک سهام را در ارتباط باسهام بازار نشان میدهد و بازده انتظاری دارایی به سطح ریسک سیستماتیک (بتا) بستگی دارد.به بیانی ساده، ریسک سیستماتیک یا ریسک غیرقابل کنترل آن بخش از

ریسک کل سهام است که ناشی از عوامل بازار بوده و بطـور همزمـان بـر قیمـت کـل اوراق بهادار تاثیر می‌گذارد.این ریسک را از طریق تنوع‌بخشی نمی‌توان حذف نمود.از عوامل مهـم این ریسک می‌توان به تحولات سیاسی و اقتصادی،چرخه‌های تجاری، تورم و بیکاری اشـاره کرد.در تحقیقات اخیر از ریسک سیستماتیک تقسیم بندی جدیدی نیز ارائه شده است کـه عبارت است از ریسک سیستماتیک نـامطلوب و ریسـک سیسـتماتیک مطلـوب، دسـته اول حساسیت بازدهی دارایی سرمایه‌ای را هنگامی که بازار رو به پایین است،اندازه گیری مـی-کند.به عبارت دیگر حساسیت بازدهی دارایی نسبت به بازار فقط در شرایط افـت و کـاهش بازار اندازه‌گیری می شود، دسته دوم حساسیت بازدهی دارایی سـرمایه ای را هنگـامی کـه بازار رو به بالا است اندازه گیری می کند(صادقی و همکاران،۱۳۸۹).

بخش چهارم: نگاهی اجمالی به ریسک های ناشی از شرکت و عوامل موثر در ایـن راستا

بند اول: ریسک تجاری

از دیدگاه نظری شرکت دارای مقدار معینی ریسک است کـه بصـورت ذاتـی یـا فطـری در فعالیت‌های آن وجود دارد که در اصطلاح به آن ریسک تجاری گویند و یا بعبـارتی ریسـک تجاری عدم اطمینانی است که بصورت ذاتی در پیش بینی سود عملیـاتی شـرکت دارد.بـه عبارتی ریسک تجاری ریسک انفرادی[۱] است.در این رابطه خالص سود عملیاتی پس از کسر مالیات[۲] عبارت است سود عملیاتی بعد از کسر مالیـات.پراسـد و مریکـاس[۳] در سـال ۱۹۸۴ اینطور بیان کرده‌اند که ریسک تجاری شرکت غیر اهرمی را می‌توان از طریق انحراف معیـار

۱- Stand alone Risk

۲- Net Operating Profit after Tax (NOPAT)

۳- Prasede & Merichas

بازده سهام محاسبه کرد(جولای،۱۳۸۸) و با توجه به آن فرمول محاسبه ریسک تجاری با استفاده از رگرسیون بصورت زیر ارائه شد:

$$Rut = au + \beta ut * Rmt + eu$$

و متغیرهای مربوط به آن بدین شکل تعریف خواهند شد:

Rut: بازده شرکت غیر اهرمی برای دوره t

βut: ریسک شرکت غیر اهرمی که همان ریسک تجاری است.

Rmt: بازده پرتفوی بازار

au: عرض از مبدا خط رگرسیون.

ریسک تجاری تا حد زیادی به هزینه عملیاتی شرکت نیز وابسته است بطوریکه اگر هزینه-های ثابت بالا باشد، حتی کاهش اندکی در فروش می‌تواند بازده سهام را به میزان زیادی کاهش دهد.بنابراین اگر سایر عوامل ثابت باشند هراندازه که هزینه‌های ثابت زیاد باشند ریسک تجاری شرکت بیشتر می‌شود.از طرفی اگر شرکت هیچگونه وامی دریافت نکند عدم اطمینان یا ریسک بازده سهام آینده، ریسک تجاری تلقی می‌شود بنابراین میتوان اینطور نتیجه گرفت که ریسک تجاری نه تنها در صنایع مختلف بلکه در شرکتهای فعال در یک صنعت فرق می‌کند.

بند دوم: عوامل موثر در ریسک تجاری

ریموند پی عوامل موثر در ریسک تجاری را به صورت زیر بیان کرده است: نامطمئن بودن تقاضا: در صورتیکه سایر عوامل ثابت باشند، هر اندازه که تقاضا برای محصولات شرکت قابل پیش‌بینی باشد، در آن صورت ریسک تجاری بیشتر است.

تغییر یا نوسان در قیمت فروش: هر اندازه که نوسان در قیمت فروش بیشتر باشد،ریسک تجاری نیز بیشتر است.

تغییرات در هزینه مواد اولیه

قرار گرفتن در معرض ریسک‌های خارجی

میزان ثبات در هزینه ها: هر اندازه که هزینه‌های ثابت شرکت بیشتر باشد، شرکت در معرض ریسک تجاری بیشتری است بخصوص زمانیکه قیمت فروش محصولات نوسان هم داشته باشد.بعبارتی اگر سایر عوامل ثابت باقی بمانند، هراندازه اهرم عملیاتی شرکتی بیشتر باشد ریسک تجاری نیز بیشتر خواهد بود.

توانایی در تعدیل قیمت محصولات با توجه به تغییر در هزینه اقلام ورودی.

توانایی در عرضه محصول جدید (به هنگام) و مبتنی بر مقایسه هزینه و منفعت: شرکتهایی که از فن‌آوری پیشرفته استفاده می‌کنند بیشتر در معرض ریسک تجاری هستند(جهانخانی،۱۳۸۵).

بخش پنجم: بررسی و شناخت ریسک اعتباری و اقسام سه گانه آن

ریسک اعتباری ریسکی است که براساس آن قرض کننده وجه قادر به پرداخت اصل و فرع بدهی(وام) خود طبق شرایط مندرج در قرارداد نمی باشد.به عبارت دیگر مطابق این ریسک، بازپرداختها یا با تأخیر انجام شده و یا اصلاً وصول نمی شوند.این امر موجب ایجاد مشکلاتی در گردش وجوه نقد بانک می شود.ریسک اعتباری ریسکی است که از نکول/قصور طرف قرارداد، یا در حالتی کلی‌تر ریسکی است که از «اتفاقی اعتباری» به وجود می‌آید.به طور تاریخی این ریسک معمولاً در مورد اوراق قرضه واقع می‌شد، بدین صورت که قرض‌دهنده‌ها از بازپرداخت وامی که به قرض‌گیرنده داده بودند، نگران بودند.به همین خاطر گاهی اوقات ریسک اعتباری را 'ریسک نکول' هم گویند.ریسک اعتباری از این واقعیت ریشه می‌گیرد که طرف قرارداد، نتواند یا نخواهد تعهدات قرارداد را انجام دهد.تأثیر این ریسک با هزینه جایگزینی وجه نقد ناشی از نُکول طرف قرارداد سنجیده می‌شود.ضررهای ناشی از ریسک اعتباری ممکن است قبل از وقوع نکول واقعی طرف قرارداد رخ دهند.به طور کلی‌تر ریسک

اعتباری را می‌توان به عنوان ضرر محتمل که در اثر یک رخداد اعتباری اتفاق می‌افتد، بیان کرد.رخداد اعتباری زمانی واقعی شود که توانایی طرف قرارداد در تکمیل تعهداتش تغییر کند.ریسک اعتباری یکی از مهم‌ترین عوامل تولید ریسک در بانک‌ها و شرکت‌های مالی است.این ریسک از این جهت ناشی می‌شود که دریافت‌کنندگان تسهیلات توانایی بازپرداخت اقساط بدهی خود را به بانک نداشته باشند. در این رابطه باید توجه داشت سه نوع مهم ریسک اعتباری عبارتنداز:

- ریسک شخصی یا مصرف کننده
- ریسک شرکت
- ریسک کشوری

در اندازه‌گیری ریسک اعتباری، ریسک مشخصه‌ای را باید اندازه گرفت که تعبیرهای مختلفی از آن می‌شود کرد: ریسک نکول، ریسک کاهش رتبه، ریسک نرخ بهره، ریسک تفاوت نرخ بهره.

بند اول: اندازه‌گیری ریسک اعتباری

برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری باید به این موارد توجه کرد:

احتمال نُکول: احتمال این است که طرف قرارداد در مدت تعیین‌شده در قرارداد، به تمام یا بخشی از تعهدات‌اش، خواسته یا ناخواسته عمل نکند.

میزان تعهد اعتباری: نشان می‌دهد که در زمان نکول، چه مقدار از تعهدات متأثر از نکول قرار می‌گیرد.

نرخ بازیافت: در صورت نکول، چه سهمی از تعهدات ممکن است از راه‌های مختلف مثل وثیقه و...بازگردد.

بند دوم: رتبه‌بندی اعتباری

بحثی مهم دیگری که در اندازه‌گیری ریسک اعتباری مطرح می‌شود، رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌هاست.برای سنجش ریسک اعتباری معمولاً شرکت‌ها را بر اساس ریسکی که در قرارداد متوجه بانک می‌کنند مرتب کرده و اصطلاحا رتبه‌بندی می‌کنند.برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری، به هر رتبه احتمال نُکولی نسبت می‌دهند.برای رتبه‌بندی اعتباری از مدل‌های مختلفی استفاده می‌شود.مدل‌های لوجیت و پروبیت، تحلیل تفکیک خطی، روش نزدیک‌ترین همسایه‌ها، مدل‌های ساختاری (مثل مدل کی‌ام‌وی) و نهایتا مدل‌های شبکه عصبی و الگوریتم ژنتیک.

بند سوم: ارزیابی ریسک اعتباری

بحران‌های ارزی، بحران‌های بانکی، استرس مالی، فشار بازار ارز، ورشکستگی، نکول، مطالبات معوق و سوخت‌شده و...واژه‌هایی هستند که فراوان در ادبیات اقتصادی به کار می‌روند و هر واژه همراه با اضطراب و ترس بیان می‌شود.هنر اقتصاددانان، متخصصان مالی و حتی سیاستگذاران آن است که وقوع این پدیده‌های شوم اقتصادی را متوقف کنند یا احتمال رخداد آنها را کاهش دهند.اقتصاددانان سعی دارند با ترکیب بهینه سیاست‌های مالی و سیاست‌های پولی و با استفاده از نهادهای کارشناسی همچون بانک مرکزی ثبات همراه با رشد را برای اقتصاد به ارمغان بیاورند.نهادهای ناظر بر بازار سرمایه سعی دارند با طراحی قواعد و ابزارهای مناسب، ضمن شکوفایی بازار مانع شکل‌گیری حباب و سقوط بازار شوند.اما با همه این اقدامات باز هم بحران‌ها رخ می‌دهند و تبعات ناگواری به بار می‌آورند.در کشورهای پیشرفته علاوه بر تمامی تلاش‌های صورت‌گرفته از طرف نهادهای دولتی و سیاستگذاری برای مهار بحران‌های فوق‌الذکر، موسسات رتبه‌بندی و اعتبارسنجی کمک بسیار زیادی در جلوگیری از وقوع آن بحران‌ها انجام می‌دهند.این موسسات در این کشورها از جایگاه بسیار بالایی برخوردار هستند و گزارش‌های آنها بر رفتار سرمایه‌گذاران تاثیر می‌گذارد.سابقه این موسسات بسیار طولانی است؛ به عنوان مثال موسسه استاندارد اند

پورز از سال ۱۸۶۰ میلادی شروع به فعالیت کرد و در حال حاضر بیش از ۱۴۰۰ تحلیلگر در کل دنیا دارد و رتبه‌بندی بیش از ۱۲۷ کشور دنیا و ارزیابی یک میلیون اوراق بهادار با بیش از ۶۰ تریلیون دلار را انجام می‌دهند.در حال حاضر بیش از ۷۵ آژانس رتبه‌بندی اعتباری در دنیاوجوددارد.بسیاری از کارشناسان، بحران اخیر سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۷را ناشی از ارزیابی‌های نادرست از اوراق بهادار و وام‌های رهنی دانسته‌اند.موسسه استاندارد اند پورز رسماً به این نقصان اعتراف کرده و اشاره داشته است که از سال ۲۰۰۷ تا آخر سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار جهت ارتقای سیستم خود و برطرف کردن نقصان‌های سیستم ارزیابی خود هزینه کرده است.این موسسه اعلام داشته است بعد از این بحران یکی از معیارهای جدیدی که به سیستم خود اضافه کرده است، معیار کنترل نظارتی دولت بر اوراق است.بعد از بحران سال ۲۰۰۷ سازمان جهانی کمیسیون اوراق بهادار(IOSCO) نقش موثرتری در برقراری ارتباط بین آژانس‌های رتبه‌بندی به ویژه در انتقال اطلاعات ایفا کرده است.همچنین این سازمان فعالیت‌های بسیار زیادی در بالا بردن استانداردها و نظارت‌های بین‌المللی داشته است.یکی از مواردی که تاکید زیادی بر آن می‌شود و آن را جزو رموز موفقیت موسسات رتبه‌بندی ذکر می‌کنند بحث استقلال و شفافیت است.این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که مدیر عامل موسسه استاندارد اند پورز در سخنرانی سال ۲۰۱۳ خود بیان می‌کند مهم‌ترین هدف این آژانس، شفافیت[۱] است و بیان می‌کند که برای این منظور متدولوژی محاسبه رتبه‌بندی موسسه در وب‌سایت این آژانس قرار داده شده است تا استفاده‌کنندگان فهم کافی از نحوه ارزیابی ریسک اعتباری داشته باشند.ایشان همچنین در سخنرانی خود اشاره دارد که افراد جهت کسب اطلاعات اعتباری خود از تمامی کانال‌های ممکن استفاده می‌کنند.برای این منظور از حس درونی خود، مذاکرات شفاهی، بررسی‌های میدانی و...استفاده می‌کنند و درباره صحت و سقم اطلاعات کاملاً حساس هستند و در صورتی که موسسات رتبه‌بندی اطلاعات ناقصی به آنها ارائه دهند، اعتماد آنها

۱ - Transparency

به این موسسات از بین می‌رود.در باب اهمیت و جایگاه موسسات رتبه‌بندی مطالب زیادی بیان شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

موسسات رتبه‌بندی می‌توانند با ارائه اطلاعات باکیفیت، شکاف اطلاعاتی[۱] بین دو طرف معامله (مثلاً بین قرض‌دهندگان و قرض‌گیرندگان) را کاهش دهند.به عبارت دیگر با ارائه اطلاعات مناسب، می‌توانند منجر به تقارن اطلاعاتی[۲] شوند.اهمیت این موضوع از این جهت است که با گستردگی جوامع و شهرها، کسب اطلاعات دقیق درباره افراد، موسسات و بنگاه‌ها بسیار مشکل است که وجود یک نهاد کاملاً حرفه‌ای و مستقل را می‌طلبد.با کاهش یا از بین رفتن شکاف اطلاعاتی، امکان دستیابی به نرخ‌های بهینه‌تر امکان‌پذیر می‌شود.به عنوان مثال با شناسایی افراد ریسک‌پذیرتر، شرکت‌های بیمه با اعمال نرخ‌های بالاتر برای این گروه، نرخ‌های خود را برای گروه ریسک‌گریزتر کاهش می‌دهند.به عبارت دیگر با شناسایی دقیق رفتار افراد، امکان اعمال نرخ‌های عادلانه‌تر وجود خواهد داشت.لازمه رشد اقتصادی سلامت و شفافیت در نهادها و موسسات مالی است.آژانس‌های اطلاعاتی نقش بسیار مهمی در فراهم آوردن شفافیت و کارایی در اقتصاد دارند.این عمل را از طریق کاهش فاصله اطلاعاتی بین خریدار و فروشنده انجام می‌دهند.بررسی وضعیت بازارهای مالی در ایران حاکی از آن است که این بازارها رشد قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.مقایسه تعداد بانک‌ها و موسسات اعتباری حال حاضر با یک دهه گذشته نشان از رشد کمی این موسسات است.بررسی نقدینگی واردشده به بورس و همچنین حدود سه برابر شدن حجم معاملات در سال گذشته نیز نشان از روند رو به رشد بازار سرمایه در کشور دارد.تعداد شرکت‌های بیمه نیز موید این موضوع است.به‌رغم گستردگی نسبتاً زیاد موسسات و نهادهای مالی، موسسات و آژانس‌های رتبه‌بندی و اعتبارسنجی هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده‌اند.بیش از یک دهه از شروع تصمیم‌گیری درباره فعالیت‌های شرکت‌های اعتبارسنجی در ایران می‌گذرد.در

---

۱ - Gap Information

۲ - Information Asymmetry

این مدت موسساتی در ایران آغاز به فعالیت کرده‌اند که شرکت‌های خصوصی و مجری سامانه ملی اعتبارسنجی هستند.باید اشاره شود اگر چه این موسسات و سایر موسسات دیگر که عمدتاً کاربرد داخلی برای سازمان خود دارند، تلاش‌هایی در جهت سامان دهی رتبه‌بندی و اعتبارسنجی در کشورمان انجام داده‌اند، اما هنوز تا نقطه مطلوب فاصله بسیار زیادی وجود دارد.متاسفانه اطلاعات این سامانه‌ها اندک و غیرکاربردی است و اغلب برای بانک‌ها تهیه می‌شوند یعنی عمدتاً با رویکرد استفاده برای بانک‌ها طراحی شده‌اند،)خود بانک‌ها نیز به جز موارد خاص به اطلاعات این سامانه‌ها اکتفا نکرده و بر اساس اطلاعات داخلی خود بانک تصمیم‌گیری می‌کنند) در حالی که موضوع رتبه‌بندی دامنه بسیار وسیع‌تری دارد و می‌طلبد که با یک برنامه‌ریزی دقیق‌تر رتبه‌بندی در حوزه‌های مختلف وارد شود.باید اشاره کنیم که عمده محدودیت‌های سامانه‌های رتبه‌بندی و اعتبارسنجی در ایران مربوط به دو حوزه است.اولین و مهم‌ترین عامل، کمبود داده و اطلاعات است که یک مشکل ساختاری در کشورمان است که برای حل این مشکل یک عزم ملی و برنامه‌ریزی مدون لازم است.عامل دوم، ضعف دانش در این حوزه است.به‌رغم مفهوم نسبتاً ساده رتبه‌بندی یا اعتبارسنجی، عملیاتی کردن آن کار چندان ساده‌ای نیست و مستلزم استفاده از دانش بالای ریاضیات، آمار، اقتصادسنجی، کامپیوتر و هوش تجاری (BI)است.به دلیل نو بودن این مفاهیم در ایران دانش آن در کشور اندک است که می‌طلبد با توجه به کاهش تحریم‌ها و گشایش فضای سیاسی رابطه با شرکت‌ها و موسسات معتبر در این زمینه برقرار شود تا تجربیات آنها مورد استفاده قرار گیرد.باید اشاره شود که صرف خرید یک نرم‌افزار معتبر جهانی دلیل بر قابلیت رتبه‌بندی مفید نخواهد بود.همان‌طور که در سیستم بانکداری ایران متناسب با بانکداری اسلامی، نرم‌افزارهای بانکی[۱] طراحی شده است و نسبتاً از کارایی بالایی برخوردار است در این حوزه نیز لازم است ضمن استفاده از تجربیات و دانش موسسات معتبر خارجی، بحث بومی‌سازی نیز دنبال شود تا بتوان رتبه‌بندی شرکت‌ها و موسسات، اوراق بهادار، مشتریان بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، لیزینگ‌ها و حتی خریدارن

۱ - Core Banking

معمولی یک مغازه نسبتاً بزرگ را در سطح مقبول انجام داد. باید یادآور شویم کـه موضـوع رتبه‌بندی و اعتبارسنجی موضوعی جهانی و فراگیر شده است.آژانس بین‌المللیIOSCO در آخرین توصیه‌های خود به این موضوع اشاره دارد و تاکید می‌کند کـه تمـامی آژانـس‌هـای رتبه‌بندی ضمن تهیـه اطلاعـات داخلـی، نگـاهی جهـانی داشـته و سـعی کننـد اطلاعـات بین‌المللی را تهیه کنند و با سایر آژانس‌ها همکاری داشته باشند.

بخش ششم: پیشینه تحقیقاتی پژوهش

بند اول: مطالعات خارجی

کوپمن و لوکاس[۱](۲۰۰۳) در مطالعه خود بر این باورند که ریسک اعتباری تقریبـاً همـراه و هم جهت با متغیرهای کلان اقتصادی حرکت می‌کند و این مساله نکتـه مهمـی در فراینـد مدیریت ریسک به حساب می‌آید.آنها بـا اسـتفاده از اطلاعـات سـال‌هـای ۱۳۹۳-۱۳۹۷ در زمینه تولید ناخالص داخلی، حاشیه‌های اعتباری و شکست‌های تجاری کوشیده اند، عقیـده فوق را بررسی نمایند.نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد رابطـه هـم جهـت از لحـاظ رفتـار ادواری بین " حاشیه‌های اعتباری[۲]" و "تولید ناخالص داخلی" در توالی‌های تجاری معمولی (شش ساله) وجود دارد.

راتنوسکی(۲۰۰۷) به بررسی تاثیر شفافیت سود در مدیریت ریسک بانک پرداخت.راتنوسکی بیان می‌دارد که هنگامی که بانک‌ها با نـاتوانی در بازپرداخـت دیـون و مشـکلات نقـدینگی مواجه هستند برای مدیریت کردن ریسک نقدینگی می‌توانند شفافیت صورت‌هـای مـالی را بهبود بخشند.او مدلی را ارائه کرد که براساس آن هنگامی که برای تامین مالی، عدم تقـارن اطلاعاتی نیز موجب بروز اصطکاک و حساسیت می‌شود.بانک‌ها می‌توانند با افزایش شفافیت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تامین مالی خود را راحت‌تر کنند.

۱- Koopman and Lucas

۲- Credit Spreads

چنگ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود کـه شـامل ۲۵۵ شـرکت در سـال هـای۲۰۱۰-۲۰۰۰ به بررسی رابطه بین عدم شفافیت سود، جریانات نقدی و ریسک کاهش قیمت سهام پرداختند، آنها نشان دادند که عدم شفافیت سود و حساسیت جریانات نقدی عملیاتی منجر به افشاء نکردن اخبار بد می شود و ریسک سقوط قیمت سهام ار افزایش می دهد.

فاسو[۱] (۲۰۱۳) رابطه ساختار سرمایه، توانایی رقابت در بازار محصول و عملکرد آنها را مـورد بررسی قرار داد، فاسو از معیاری جدید برای انـدازه گیـری تـوان رقـابتی شـرکت اسـتفاده نمود.وی با استفاده از داده های پانل،عملکرد ۲۵۷ شرکت آفریقای جنوبی را در طـول دوره ۱۹۹۸-۲۰۰۹را مورد توجه قرار داد، نتایج نشان می‌دهد که اهرم مـالی اثـر مثبـت و قابـل توجهی بر عملکرد شرکت دارد.و تاثیر رقابت در بازار محصول بر عملکرد شرکتهایی که اهرم مالی بالاتری دارند بیشتر است.

لیندست و همکاران(۲۰۱۳) دریافتند طول تاخیر اطلاعات اعتبار دهندگان و سایر دینفعـان برای سیاست های دریافت اعتبار مهم نیست و یکی از مهم ترین عوامل که برای اعطای وام از دید اعتباردهندگان حائز اهمیت است سطح اطلاعات متقارن بین ذینفعـان مـی باشـد و شرکت هایی که دارای عدم تقارن اطلاعاتی بین اعتبار دهندگان، سهامداران و...مـی باشـند دارای ریسک اعتباری بیشـتری نسـبت بـه شـرکت هـایی هسـتند کـه دارای عـدم تقـارن اطلاعاتی نیستند.

بند دوم: تحقیقات داخلی

تاکنون تحقیقی به صورت مستقیم به بررسـی رابطـه بـین سـاختارهای رقـابتی در بـازار و ریسک اعتباری را در ایران مورد بررسی قرار نداده است.برخی از مرتبط ترین این تحقیقات به شرح ذیل می باشد:

---

۱ Fosu

نجار زاده و همکاران (۱۳۸۶)، در مقاله ای با عنوان سنجش توان رقابتی محصولات مجتمع پتروشیمی تبریز در راستای الحاق به WTO، به بررسی توان رقابتی مجتمع پتروشیمی تبریز به عنوان یکی از مهمترین واحدهای پتروشیمی در کشور پرداختند.در این مقاله بین مفهوم توان رقابتی و مزیت نسبی تفاوت قائل شده است.به این صورت که توان رقابتی بر اساس قیمت های بازار که شامل انحرافات قیمتی ناشی از سیاست حمایتی دولت از جمله یارانه ها و جریمه ها است، میباشد.اما مزیت نسبی به مزیت هزینه ای در قیمت های تعادلی مربوط میشود که هیچگونه انحرافات قیمتی در آن وجود ندارد شاخصهای توان رقابتی برای مجتمع از طریق شاخص نسبت هزینه واحد محاسبه شده اند این محاسبات نشان میدهند که به طور متوسط محصولات مجتمع بدون احتساب هزینه فرصت سرمایه توان رقابت در بازارهای داخلی و خارجی را دارد.لیکن شاخص مربوز به مزیت نسبی نشان میدهد که محصولات مجتمع مورد نظر دارای عدم مزیت نسبی هستند.

صفری و همکاران.(۱۳۹۰)، مقاله ای با هدف شناسایی عوامل موثر بر ریسک اعتباری و ارائه مدلی جهت پیش بینی ریسک اعتباری و رتبه بندی اعتباری مشتریان حقوقی متقاضی تسهیلات یک بانک تجاری، با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی و مقایسه این دو مدل انجام گرفته است.در این پژوهش، ۲۷ متغیرتوضیح دهنده شامل متغیرهای مالی و غیر مالی مورد بررسی قرار گرفت که از بین متغیرهای موجود نهایتاً با استفاده از تکنیک تجزیه و تحلیل عاملی و قضاوت خبرگان (روش دلفی)، ۸ متغیر تاثیرگذار بر ریسک اعتباری انتخاب گردید که وارد مدل تحلیل پوششی داده ها شده و امتیازات کارایی شرکتهای حقوقی با استفاده از آنها بدست آمد.همچنین متغیر های انتخابی به عنوان بردار ورودی شبکه عصبی پرسپترون ۳ لایه وارد مدل شد.نتایج حاصل از مدل تحلیل پوششی داده ها و شبکه عصبی در برآورد ریسک اعتباری و رتبه بندی اعتباری در مقایسه با نتایج واقعی حاکی از آنست که مدل شبکه عصبی در پیش بینی ریسک اعتباری مشتریان حقوقی و رتبه بندی اعتباری آنها از کارایی بیشتری برخوردار است.

هنربخش و همکاران (۱۳۹۱)، با بررسی اثر نسبی استراتژیهای تجاری بر روی ارتباط بین اهرم مالی و عملکرد شرکتها به این نتیجه رسیدند، که در شرکتهای با استراتژی رهبری هزینه، سود تقسیمی رابطه مثبتی با عملکرد شرکت دارد.و در شرکتهای با استراتژی تمایز محصول، متغیر اندازه شرکت، رابطه مثبت با عملکرد اما سود تقسیمی رابطه منفی با عملکرد شرکت دارد.

نمازی و ابراهیمی(۱۳۹۱)، در مقاله ارتباط بین رقابت بازار محصول و بازده سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را بررسی کردند.برای دستیابی به این هدف، شاخص هرفیندال-هیرشمن، شاخص لرنر و لرنر تعدیل شده را به عنوان معیارهای رقابت در نظر گرفتند.نمونه مورد نظر تحقیق شمال ۸۷ شرکت در دوره زمانی ۸۱-۸۸ بود.نتایج حاصل از ازمون فرضیات تحقیق به روش داده های ترکیبی نشان داد که بین شاخص هرفیندال-هیرشمن با بازده سهام شرکتهای مورد بررسی رابطه منفی وجود دارد و رابطه معنادار نیست.در حالیکه که رابطه بین شاخص لرنر و لرنر تعدیل شده با بازده سهام رابطه منفی و معناداری دارد.همچنین نتایج بیانگر این است که شرکتهای موجود در صنایع رقابتی بازده بیشتری کسب کرده که این امر با پیش بینی فرضیه های تخریب خلاقانه و موانع ورود سازگار است.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت رقابت در بازار محصول تاثیر قابل توجهی در سرمایه گذاری بنگاه ها و تصمیم گیری های عملیاتی دارد و به لحاظ نظری نشان دهنده حد بالا و پایین سرمایه گذاری در بنگاه اقتصادی است.همچنین با توجه به اینکه محاسبه ریسک اعتباری یکی از ابزارهای در دست اعتبار دهندگان (بانک ها) که همان بنگاه های مالی و اقتصادی می باشند، و بانک ها از آن برای تصمیم گیری در مورد ارائه اعتبار استفاده می کنند.بر همین اساس در اینجا شواهدی فراهم می شود که بانک ها بطور عقلانی به محاسبه ساختار رقابت در بازار صنعت برای ارائه اعتبار به شرکت ها

بپردازند.اما در صورتیکه در واحد اقتصادی ساختار رقابت در بازار صنعت تضعیف شود این مورد پیامدهای نامطلوبی از قبیل کاهش کارایی بازار، افزایش هزینه‌های معاملاتی، ضعف بازار، نقد شوندگی پایین و بطور کلی، کاهش سود حاصل از معاملات در بازارهای سرمایه، در پی خواهد داشت.بر همین اساس در بازاری که حاشیه سود واحد های اقتصادی به دلیل ساختار ضعیف رقابت در بازار صنعت در حال کاهش باشد بر همین اساس مدل های ریسک اعتباری با پیش بینی زیان های عدم بازپرداخت وام ها، ریسک اعتباری واحد اقتصادی را افزایش می دهند.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- برهانی، حمید.(۱۳۸۹)." بررسی علل و عوامل ایجاد مطالبات معوق و راهکارهای کاهش آن" تهران.بیست و یکمین همایش بانکداری اسلامی
- تهرانی،رضا.و شمس، میر فیض فلاح.(۱۳۸۴)."طراحی و تبیین مدل ریسک اعتباری در نظام بانکی کشور".مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز.دوره بیست و دوم، شماره دوم، تابستان.پیاپی ۴۳.ص۲۱۱-۱۹۱
- جمشیدی، سعید(۱۳۸۳)،شیوه های اعتبارسنجی.مشتریان ;پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- خوش سیما رضا، شهیکی تاش محمدنبی(۱۳۹۱).تاثیر ریسک های اعتباری، عملیاتی و نقدینگی بر کارایی نظام بانکی ایران.فصلنامه برنامه و بودجه; ۱۷.۹۵-(۴).۶۹
- دهمرده، نظر و همکاران(۱۳۹۱)، "اعتبارسنجی مشتریان بانک با استفاده از رویکرد امتیازدهی اعتباری:مطالعه موردی شعب بانک سپه در زاهدان "

پژوهشهای مدیریت عمومی،سال پنجم، شماره هجدهم، زمستان ۱۳۹۱، -صفحه ۱۳۵-۱۵۲

- رشیدیان،ساناز (۱۳۹۰)، مقاله " طبقه بندی مشتریان شبکه بانکی براساس ریسک اعتباری با استفاده از مدل های پیش بینی و تصمیم گیری چند معیاره(مطالعه موردی:بانک کارآفرین) "پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج،دانشکده علوم انسانی –گروه مدیریت
- عبده تبریزی، حسین.شریفیان، روح الله.(۱۳۸۶).«بررسی اثر ریسک نامطلوب بر عملکرد تعدیل شده بر اساس ریسک، در شرکتهای سرمایه گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران».فصلنامه بورس اوراق بهادار.سال اول.شماره۱.صص۷۰-۳۵.
- فلاح شمسی،میرفیض و تهرانی، رضا (۱۳۸۴).طراحی و تبیین مدل ریسک اعتباری در نظام بانکی،مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز.شماره ۴۳.
- موسوی سیدعلیرضا,کشاورز حمیده (۱۳۹۰)،"بررسی رابطه عوامل ساختار سرمایه و طبقات ریسک سیستماتیک در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" ویژه نامه پژوهشگر (مدیریت) بهار ۱۳۹۰; ص۱۹-۳۶.
- هندرکسن،ا.و مایکل ون بردا، ترجمه علی پارسائیان،۱۳۸۵، "تئوریهای حسابداری"، انتشارات ترمه،جلد اول و دوم.
- نمازی، محمد و شهلا ابراهیمی(۱۳۹۱).بررسی ارتباط بین ساختار رقابتی بازار محصول و بازده سهام.پژوهش های حسابداری مالی.سال دوم.شماره

ب) منابع لاتین

- *Akdogu, E., Mackay, P., ۲۰۱۲.Product markets and corporate investment: Theory and evidence.Journal of Banking and Finance ۳٦, ٤۳۹–٤٥۳.*

- *Dermine, J., ۱۹۸٦.Deposit rates, credit rates, and bank capital: the Klein-Monti model revisited.Journal of Banking & Finance ۱۰, ۹۹–۱۱٤*
- *Espinoza & Prasad, (۲۰۱۰), "Nonperforming Loans in the GCC Banking System and their Macroeconomic Effects", IMF Working Paper.wp/۱۰/۲۲٤*
- *Fosu.S(۲۰۱۳).Capital structure, product market competition and firm performance: Evidence from South Africa.The Quarterly Review of Economics and Finance*
- *Fresard, L., ۲۰۱۰.Financial strength and product market behavior: the real effects on corporate cash holdings.Journal of Finance ٦٥, ۱۰۹۷–۱۱۲۲.*
- *Froyland, E.and K.Larsen, (۲۰۰۲), "How vulnerable are financial institutions to macroeconomic changes? An analysis based on stress testing", Economic Bulletin, ۳/۲۰۰۲, pp.۹۲–۹۸, Norges Ban*
- *Gang Dang, Kin Keung Lai, Jerome Yen, "Credit scorecard based on logistic regression with random coefficients", Procedia Computer Science ۱ (۲۰۱۰) ۲٤٦۳–۲٤٦۸.*
- *Hansjoerg Lehmann and Michael Manz, (۲۰۰٦), "The Exposure of Swiss Banks to Macroeconomic Shocks – an Empirical Investigation", Swiss National Bank*
- *Hsing-Hua Huang, Han-Hsing Lee.(۲۰۱۳)." Product market competition and credit risk".Journal of Banking & Finance ۳۷. ۳۲٤–۳٤۰*
- *Kevin J.Stiroh and Christopher Metli, (۲۰۰۳), "Now and Then: The Evolution of Loan Quality for U.S.Banks", Federal Reserve Bank of New York, Volume ۹*
- *Mackay, P., Phillips, G., ۲۰۰٥.How does industry effect affect firm financial structure? Review of Financial Studies ۱۸ (٤), ۱٤۳۳–۱٤٦٦.*